

Review Article

The survey of medical scribes in the "Safineh e Tabriz"

Parisa Gorbannejad^{1*}, Mahdiyeh.Ayyari²

1. Associate Professor, Department of History of Islamic Culture and Civilization, Faculty Theology, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) Email: gorbannejad@gmail.com

2. Mahdyeh Ayari Master Bachler of Islamic History and Civilization, Urmia, Iran.

Received: 17 May 2017 Accepted: 29 Aug 2017

Abstract

Background and Aim: To save the valuable contribution of Iranian scientific efforts from Mogul invasion, Safineh-e-Tabriz, was written based on the works conducted before the invasion of the Mogul, focusing on the general condition of science in Tabriz in 8th Century ,Safineh-e-Tabriz somewhat recounts the stage of traditional medicine, and its recommendations in prevention and treatment of the diseases. The goal of this study is to scrutinize and explain traditional medicine in Iran and Safineh-e-Tabriz is discussed in details to attain this goal.

Materials and Methods: considering the research methodology of documents and historical works, the author, after identifying and interpreting the works, has described traditional medicine literature and has analyzed them with the help of the corresponding works of the era.

Findings: Safineh-e-Tabriz consists of treatises on traditional medicine with the subjects of healthcare and prevention, physical and psychological remedies and presentation of natural medicine. In this book only some of the sources has been mentioned. There are thirteen detailed and summarized treaties, mostly edited as tables.

Conclusion: In the area of health and prevention, the legacy of Iran and Rome has been impressive and attention to the type of nutrition has been important. With regard to treatment, not only immediate treatment was taken into consideration, but also the traditional medicine of this era was based on temperament Survey and probably influenced by Sixth Century AH Writings, especially Farrokh Nameh by Jamili Yazdi. Safineh-e-Tabriz shows the impact of cultural and social environment on the acceptance of the treatment method by the people because the dominant Sufi culture among the commons and superstitious beliefs has been effective in the development of a particular type of psychotherapy. Physiognomy was important in psychology and particular attention was paid to the therapeutic effect of minerals, stones and properties of grains and aromas.

Keywords: Safine-e-Tabriz; Hefzolsehah (Health Preservation); Eulim Aleilaj (Treatment Science); Eulim Alfirasa (Physiognomy); Traditional Medicine

Please cite this article as: Gorbannejad P, Ayyari M. The survey of medical scribes in the "Safineh e Tabriz". *Med Hist J* 2017; 9(32): 19-29.

معرفی رسائل طب سنتی در سفینه تبریز (پیشگیری، درمان، دارو)

پریسا قربان‌نژاد^{۱*}، مهدیه عیاری^۲

۱. دانشیار، گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: gorbannejad@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ارومیه، ایران.

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۷

چکیده

زمینه و هدف: سفینه تبریز، نسخه خطی با ارزشی از وضعیت عمومی علم در تبریز قرن هشتم قمری است که در دوران رکود علمی پس از حمله مغول و احتمالاً با هدف احیای آثار در معرض نابودی، جمع‌آوری شده است و تا حدودی وضعیت طب سنتی را که از کجاها تأثیر پذیرفته و کدام اولویت‌ها را در روش پیشگیری و درمان توصیه کرده، بازگو می‌کنند و به هدف نگارنده که بررسی سابقه طب سنتی در ایران است، مدد می‌رساند.

مواد و روش‌ها: با توجه به روش تحقیق اسناد و آثار تاریخی، نگارنده پس از شناسایی و بازنویسی آثار به توصیف مکتوبات مربوط به طب سنتی پرداخته و با کمک آثار متناظر هم عصر به تحلیل آن‌ها اقدام کرده است. تمام منابع مورد استفاده، در فهرست منابع ذکر شده است.

یافته‌ها: سفینه تبریز، حاوی رساله‌هایی در طب سنتی با موضوع بهداشت و پیشگیری، درمان جسمی و روحی، معرفی انواع داروهای طبیعی است. کاتب سفینه فقط در بعضی از رساله‌های طبی منع اخذ خود را ذکر کرده است. سیزده رساله مفصل و مجمل طبی که غالباً به شکل جدول تنظیم شده‌اند.

نتیجه‌گیری: در موضوع بهداشت و پیشگیری، میراث ایران و روم تأثیرگذار بوده و توجه به نوع تغذیه مهم بوده است. در خصوص درمان نه تنها به درمان فوری توجه می‌شده، بلکه طب سنتی در این دوره نیز بر مزاج شناسی استوار و احتمالاً تحت تأثیر نگارش‌های قرن ششم قمری خصوصاً «فرخ‌نامه» جمالی یزدی بوده است. سفینه تبریز حکایت از تأثیر فضای فرهنگی و اجتماعی بر روند پذیرش روش درمان از سوی مردم دارد، زیرا فضای صوفیانه حاکم میان عوام و عقاید خرافی در رشد نوع خاصی از روان‌درمانی مؤثر بوده است. علم الفراسه در روانشناسی اهمیت داشت و در داروسازی به تأثیر درمانی کانی‌ها و احجار و خواص غلات و معطرات عنایت ویژه‌ایی می‌شده است.

واژگان کلیدی: سفینه تبریز؛ حفظ الصحه؛ علم العلاج؛ علم الفراست؛ طب سنتی

مقدمه

احیای میراث علمی و فرهنگی ایران زمین به عنوان بخشی از شاکله تمدن اسلامی ضرورت پیش روی محققان است و نسخ خطی، مصداقی از این میراث عظیم به شمار می‌آیند که «سفینه تبریز» یکی از آن گنجینه‌هاست. این اثر که کتابخانه‌ای سیار و گنجینه‌ای از اهم معارف عصر کاتب، «ابوالمجد تبریزی ملکانی قرشی» است (۱)، منبع معتبر برای شناخت وضعیت عمومی علم در آذربایجان قرن هفتم و هشتم قمری است که نشان می‌دهد در تبریز ایلخانی چه مسائلی بیشتر در میان عموم مردم یا محافل علمی مورد توجه بوده و احیاناً در مدارس تدریس می‌شده است. این مجموعه خطی شامل ۲۰۹ کتاب و رساله کوتاه و بلند به دو زبان فارسی و عربی در زمینه حدیث، اخلاق، فقه، تاریخ، صرف و نحو، عروض، فلسفه، عرفان، نجوم و اختیارات، رمل، حساب، موسیقی، طب، منشآت، دفترداری، جفر، موسیقی، کائنات جوی، منابر، ادبیات و... است که بر اساس تألیفات ابوالمجد و اساتید هم عصر وی و همچنین آثار با ارزش کهن، گردآوری و در فاصله سال‌های ۷۲۳-۷۲۱ ق. تنظیم شده است.

لازم به ذکر است، سیزده رساله از مجموع دویست و نه اثر موجود در گنجینه فوق‌الذکر، در خصوص مسائل پزشکی و درمانی است که در تفکیکی جزئی‌تر، سه رساله کلمات بزرگمهر، وصایا تیاذوق الحکیم للکسری انوشروان و جدول کیفیت استعمال غذاهای موافق و احتراز از اغذیه ناموافق بر حسب ماه‌های رومی در باب حفظ تندرستی هستند و دو رساله «برء‌الساعه» و «بعض المسایل الطبیه» در مورد شناخت و درمان بیماری‌ها و پنج رساله «خواص غلات»، «خواص معادن کانی»، «خواص معطرات»، «خواص الأحجار و غیرها» و «کتاب فی الطب» در زمینه بیان خواص دارویی و سه رساله در علم فراست، دلایل اعضا و غیره‌ها و اختلاج هم در حوزه روان‌درمانی هستند.

گفتنی است، کاتب فقط در دو رساله طبیبی منبع اخذ خود را ذکر نموده و همین موضوع محدودیت‌هایی را در مستندسازی تحقیق به وجود آورد و فرصت زیادی صرف آن شد، البته کمبود منابع و تحقیقات جدید مربوط به طب سنتی خصوصاً

در قرن هفتم و هشتم و عدم وجود اطلاعات مکتوب در خصوص وضعیت بهداشت و درمان در آن دوره از دیگر موانع کار بوده است.

از قرن پنجم شکل دیگری از کتب طبیبی که بیشتر بر پایه جدول و به شکل تقویم تدوین می‌شد، رایج شد (۲) که در اغلب رسائل طب سفینه تبریز نیز از این الگو پیروی شده است. این‌که در حوزه بهداشت، درمان و دارو چه مطالبی در سفینه گنجانده شده که روش‌های درمانی آن در میان مردمان تبریز در قرن هشتم رایج بوده است؟ سؤال اصلی پژوهش حاضر خواهد بود.

مواد و روش‌ها

با توجه به ماهیت موضوع که به نوعی بازخوانی نسخه خطی و معرفی مکتوبات طبیبی بازنویسی‌شده در آن به منظور احیای طب سنتی است و همچنین معرفی اجمالی آثار و روش‌های رایج طب و شناسایی مؤلفان آن‌ها، لذا روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. بدین منظور پژوهشگر کوشیده است بعد از شناسایی و دسته‌بندی رسائل مربوط به طب در سفینه تبریز، با دقت آن‌ها را بازنویسی نماید و در حد امکان منابع دست اول را برای بازخوانی دقیق‌تر و تطبیق بعضی از کلمات ناخوانا مورد شناسایی قرار دهد و سپس از مآخذ متأخر و تحقیقات جدید برای بسط و تحلیل موضوع و ترجمه متون عربی به فارسی و معنی‌یابی واژه‌های کهن طب بهره‌برداری نماید. بدیهی است که روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، کتابخانه‌ای بوده و پژوهشگر از شیوه تحلیل استقرایی به نتایج دست یافته است که شرح کامل تحقیق در اصل طرح موجود می‌باشد.

یافته‌ها

۱- رسائل حفظ الصحه در سفینه تبریز

با مطالعه و دقت در زمینه رساله‌های مرتبط با طب در سفینه تبریز می‌توان به این نتیجه رسید که ابوالمجد کاتب «سفینه» در این حیطة به جمع‌آوری دستوراتی در حوزه بهداشت عمومی بسنده کرده است. شاهد این مدعا سه رساله:

کتاب وصایا تیاذوق الحکیم للکسری انوشروان، کتاب کلمات بزرگمهر و جدول کیفیت استعمال غذاهای موافق و احتراز از اغذیه ناموافق بر حسب ماه‌های رومی هستند که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۱- رساله تندرستی منسوب به تیاذوق طبیب: از

تیاذوق سخنان و کلمات قصاری در تواریخ آمده است که از آن جمله، اصول دهگانه درج شده در این رساله مختصر است. رساله مذکور که به زبان عربی و در روز یکشنبه بیست و هفتم رمضان سال ۷۲۲ کتابت شده، حاوی مطالبی در حفظ صحت بدن، آداب خوردن، استحمام، معاشرت، خوابیدن و مانند آن (۳-۴).

ابوالمجد تبریزی، تیاذوق را هم‌عصر انوشروان می‌داند، اما در خصوص شخصیت وی و زمان حیاتش، اقوال متعددی موجود است. عده‌ای تیاذوق را طبیب انوشیروان (۵۷۸-۵۳۱ م.) پنداشته‌اند و عده‌ای طبیب حجاج بن یوسف ثقفی، امیر عراق (۹۵-۴۵ ق.) تشخیص هویت او به سبب اشتباهاتی که در املائی نام او روی داده، دشوار است. ظاهراً اشکال مختلفی برای نام وی ضبط است، اما بیشتر مؤلفان دوره اسلامی تیاذوق (۵) را از پزشکان میرز و مشهور دوره اموی ذکر کرده‌اند (۶).

نکاتی که در این رساله در خصوص حفظ الصحه ذکر شده، تنها در رابطه با حفظ صحت جسم است و به اموری اشاره دارد که روزانه انسان باید انجام دهد تا سلامتی او حفظ شود و حاوی دستوراتی در خصوص خوردن، آشامیدن، استحمام، مجامعت با زنان است (۷).

۱-۲- کلمات بزرگمهر از ابن حکیم ایرانی در آثار

نویسندگان عربی زبان همچون جاحظ، ابن قتیبه، ابن عبدربه، ابراهیم بیهق و تنوخی پندهای بسیاری نقل شده است. از ویژگی این پندها همسویی با فرهنگ و ادب اسلامی است به گونه‌ایی که می‌توان ادعا کرد، کم‌ترین منافات با اخلاق اسلامی ندارد. دلیل این امر را می‌توان در خردورزی ایرانیان، اشتراک امور اخلاقی، هم‌سویی آیین‌های دینی، مشترکات عقل انسانی و تعالیم فیلسوفان و مصلحان دانست (۸).

رساله کلمات بزرگمهر حاوی مضامینی در ارتباط با حفظ الصحه است. این مطالب هم صحت روح و روان و هم صحت جسم را مورد توجه قرار داده‌اند. رساله مذکور شامل ده پند حکمت آموز است که به بزرگمهر حکیم نسبت داده شده: «بزرگمهر گوید چهار چیز روشنایی چشم را بیفزاید و چهار چیز نقصان کند و چهار چیز مردم را لاغر کند و چهار چیز فربه کند و چهار چیز آب روی مردم را ببرد و چهار چیز بیفزاید و چهار چیز بیمار را صحت دهد و چهار چیز تن درست را بیمار گرداند چهار چیز دل را زنده گرداند و چهار چیز بمیراند» (۷) و برای هر کدام از این موارد راه‌های درمانی را در ارتباط با روح و جسم مطرح می‌کند.

۱-۳- جدول استعمال غذاهای موافق و ناموافق: این

جدول که به ادعای ابوالمجد تبریزی بر حسب ماه‌های رومی (۶) و یکی از جداول ده‌گانه است که حکما و منجمان در اقسام نجوم به فارسی نوشته‌اند، علاوه بر ذکر اغذیه موافق و ناموافق برای هر ماه، برخی خصوصیات ماه‌ها را به همراه شماری بایدها و نبایدهای دیگر بیان می‌کند. از دیدگاه طب سنتی، هر فصل سال دارای مزاج خاصی است که لازم است، توصیه‌ها و تدابیر خاصی را برای حفظ تندرستی و پیشگیری از بروز بیماری‌ها و یا به حداقل رساندن عوارض و پیامدهای آن‌ها به کار بست.

این جدول، اهمیت رعایت اصول تغذیه و دقت در حفظ سلامتی بدن با توجه به مبانی مذکور است. مطالب و اطلاعات موجود در آن مشابهت زیادی با بخشی از «رساله ذهبی» منسوب به امام رضا (ع) دارد که با توجه به عدم ذکر منبع از سوی کاتب سفینه برای رساله حاضر، نمی‌توان مؤلف اصلی جداول را شناخت، اما به احتمال زیاد مؤلف تمامی جداول اختیارات نجومی، یک شخص واحد نبوده است. نباید فراموش نمود رعایت دستوراتی به این مضمون از امور رایج در طب سنتی است. بر اساس اطلاعات موجود در سفینه تبریز جداول اختیارات نجومی روز سه‌شنبه ۱۴ ربیع‌الاول سال ۷۲۳ و به فارسی کتابت شده است (۷).

۲- رسائل درمانی در سفینه تبریز

دو رساله «برء الساعه» و کتاب «فی بعض المسائل الطبیة» در سفینه تبریز، درباره درمان انواع بیماری‌ها بر پایه تشخیص مزاج است. این نکته از شناخت نامه و نیز متن رسائل قابل درک است. به عنوان نمونه ابوبکر محمد بن زکریای رازی در «برء الساعه» و در فصل مربوط به صداع، انواع سردرد را بر حسب غلبه اخلاط تقسیم‌بندی می‌نماید و برای هر نوع نیز روش درمان جداگانه‌ای را بیان می‌دارد. در رساله «بعض المسائل الطبیة»، علاوه بر روش‌های درمان بعضی بیماری‌ها، اختصاراً به برخی علائم غلبه اخلاط نیز اشاره شده است.

۱-۲- کتاب برء الساعه: از مؤلفات جالب توجه رازی است که برای «ابوالقاسم عبدالله بن ابوعلی محمد بن یحیی عبیداله بن یحیی بن خاقان» وزیر منصور در فاصله سال‌های ۳۱۲ و ۳۱۳ هجری قمری تألیف شده است. از آنجایی که رازی در دیگر کتب خود ابدأً ذکر از «برء الساعه» به میان نیاورده، می‌توان چنین استدلال نمود که این کتاب تقریباً آخرین اثر تألیفی رازی است و حاصل تجربیات وی در طول حیاتش بوده است (۹).

رازی در مقدمه کتاب، داستان تألیف آن را بیان می‌نماید که در نسخه موجود در سفینه تبریز هم این مطلب موجود است. کتاب یک دوره درمان فوری بیماری‌هاست. ظاهراً مبحث مطرح‌شده در این کتاب در بین تألیفات پزشکان یونانی، ایرانی و هند باستان و حتی هم دوره رازی مطرح نبوده است و شاید بتوان او را مبدع درمان فوری دانست (۱۰).

در رساله مذکور موارد درمانی که راه‌کار درمان سریع آن‌ها مطرح شده است از سردرد، تورم و سرخی چشم شروع می‌شود و با بیماری زکام، درمان دندان درد و نیز کندن دندان بدون وسیله، بدبویی دهان، درد و ورم گلو، جدانمودن زالوی چسبیده به حلق ادامه می‌یابد. ابواب نهم و دهم مربوط به درمان شقیقه و صرع است. رفع وزوز گوش، بندآوردن خونریزی بینی، علاج بواسیر و نواصیر درمان جراحات کهنه و تازه، راه‌کار رفع دردی که در اثر ضربه پدید آمده، درمان

سوختگی‌های ناشی از آتش، درمان قولنج، درمان اسهال و اسهال خونی در بزرگسالان و کودکان، درمان عرق‌النسا، راه‌کار رفع خستگی ناشی از پیاده‌روی بسیار را ارائه می‌نماید و آخرین مطلبی که کاتب در این نسخه به آن اشاره نموده، مربوط به درمان خارش دست‌ها، پاها و سر است (۷).

۲-۲- کتاب فی بعض المسائل الطبیة: رساله‌ای مختصر

به فارسی است که توسط «ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی» به تاریخ بیست و چهارم ذی‌الحجه سال ۷۲۲ در مجموعه «سفینه تبریز» گنجانده شده است. عبدالحسین حائری در مقدمه سفینه تبریز، رساله مذکور را دارای پنج فصل عنوان نموده که شاید به دلیل ادغام فصول سوم و چهارم باشد.

رساله «بعض المسائل الطبیة» برای شناخت علائم و درمان برخی بیماری‌ها و مشکلات شایع در آن روزگار بوده است که احتمال دارد کاتب برای استفاده شخصی و مراجعه در زمان لزوم از متنی بازنویسی نموده، چراکه در کتب تخصصی طب مانند «قانون» ابن سینا، «ذخیره خوارزمشاهی» تألیف حکیم سیداسماعیل جرجانی و «بیان الطب» کمال‌الدین ابوالفضل حبیبش تغلیسی در خصوص هر یک از مباحث با تفصیل بیشتری بحث شده است. متأسفانه دانسته نیست «ابوالمجد» رساله مذکور را از چه منبع یا مأخذی گردآوری و کتابت نموده است.

این رساله با بیان روش درمان برای گزیدن مار و زنبور و سگ‌هار، داروی برص، داروی خوک، گرفتن آواز، دارو برای کندن دندان، داروی مفلوجی شروع می‌شود و با ضوابط سنجش نبض و نیز شناخت انواع نبض ادامه می‌یابد (۱۱-۱۲). شیوه شناخت مزاج صفراوی و علائم غلبه صفرا ارائه می‌شود. همچنین نحوه شناخت خلط سوداوی، علائم غلبه سودا و بیماری‌های ناشی از آن مورد بحث بوده با این تفاوت که به شیوه شناخت رطوبت و نشانه‌های غلبه آن نیز پرداخته می‌شود و در نهایت نحوه تشخیص انواع بیماری‌ها با توجه به نشانه‌های موجود در ادرار و نیز شیوه صحیح نمونه‌گیری هم توضیح داده می‌شود (۷، ۱۲).

۲- روان‌درمانی و روانشناختی در سفینه تبریز

سفینه تبریز حاوی مباحثی جالب و درخور توجه در حیطه مباحث چهره‌شناسی و روان‌درمانی است.

۱-۳- علم الفراسه: که رساله مفصلی در سفینه تبریز

است، در واقع شخصیت‌شناسی است و ارتباط تنگاتنگ میان غلبه اخلاط و شاخصه‌های شخصیتی در افراد مختلف را نشان داده و به بیان برخی از مشخصه‌های ظاهری و بدنی اشخاص از جمله لحن سخن و آواز کلام، رنگ چهره و پوست، موی بدن، فرم‌های مختلف چشم، ابرو، بینی، لب، دندان، گوش، پشت، دست و پا و نوع خندیدن به تبیین خصوصیات اخلاقی و رفتاری می‌پردازد.

دانشمندانی چون رازی، ابن سینا، ابن رشد و جز اینان به بحث درباره علم الفراسه پرداختند و برخی از آنان نیز رساله‌ها و کتاب‌هایی مستقل در این موضوع تألیف نموده‌اند (۱۳)

این رساله نیز مانند سه رساله پیاپی پس از آن، با کتاب «فرخ‌نامه» مشابهت دارد، هرچند خود ابوالمجد به منبع مورد استفاده خود اشاره‌ای ننموده است، اما کتاب در علم فراست که سوم محرم سال ۷۲۳ مصادف با چاشتگاه روز سه‌شنبه کتابت شده، تقریباً منطبق با فصل دوم از مقاله هشتم فرخ‌نامه جمالی یزدی است (۷).

۲-۳- کتاب در دلایل اعضا و غیره‌ها: یکی دیگر از

آثار مربوط به طب اعصاب و روان، عنوان رساله‌ای است که ابوالمجد تبریزی ملکانی قرشی روز سه‌شنبه سوم محرم سال ۷۲۳ در سفینه تبریز گنجانده است. این رساله در ردیف آثار طب روان بوده و مشتمل بر چندین فصل است. بخش اول: به چرایی وجود سر و تک‌تک اعضای صورت، گردن، کتف، بازو و دست، انگشتان، ناخن، شکم، پهلو، پشت، ساق و قدم پا می‌پردازد؛ بخش دوم: شامل تبیین خصوصیات مختص به انواع حالات مو و رنگ چهره، نحوه گام برداشتن، شیوه نفس کشیدن و خندیدن و بالاخره تن صدا است؛ بخش سوم: در رویکردی متفاوت فیزیک بدنی اشخاص دلیر، بددل، فیلسوف، دون همت، غمناک، سیم دوست و بدخوی را ارائه می‌نماید. در سه بخش باقی مانده، دلالت‌های دیگری از حالات و رنگ چشم و مژه تبیین شده و راه‌های تعادل روانی بیان می‌شود.

با وجود این‌که کاتب سفینه، منبع متن کتابت‌شده را بیان ننموده است، اما نگارنده پس از بررسی و واکاوی در نسخ خطی و متون قدیمی به این نتیجه رسید که رساله منطبق با مقاله نهم نزهت‌نامه علایی در باب علم فراست است (۷).

۳-۳- کتاب فی الاختلاج: عنوان رساله‌ای دیگر از

مجموعه نفیس سفینه تبریز، است که به زبان فارسی و در قالب دو جدول کنار هم برای جانب راست و چپ بدن، به بیان دلالت اختلاجات برخی اعضا می‌پردازد.

مجموعه حرکات اختلاجی در طول تاریخ منجر به ایجاد علم اختلاج گردیده است. علم اختلاج که از زیرشاخه‌های علم فراست است، به کیفیت و حکم دلالت پرش در اعضای انسان از سر تا پا اختصاص دارد و به اتفاقاتی که در اثر جستن عضو به وقوع خواهد پیوست اشاره می‌نماید (۱۵-۱۴). در طول قرون متمادی آثار و رسائل متعددی در این حوزه به نگارش درآمده است، حتی در برخی کتب چون کشکول بحرانی روایاتی پیرامون اختلاجات اعضا منسوب به ائمه اطهار (ع) و خصوصاً امام صادق (ع) وجود دارد (۱۶). افرادی چون «محمد بن ابراهیم بن محمد بن هشام»، «محمد بن عباس خوارزمی»، «شیخ محمود عباس عاملی»، «میرمحمد صالح بن عبدالواسع حسینی خاتون‌آبادی» و «میرزاحمدحسین بن میرزا محمدعلی شهرستانی» از جمله افراد صاحب تألیف در این باب هستند (۱۷).

منبع و یا مأخذ مورد استفاده ابوالمجد برای کتابت رساله مذکور موجود در متن چاپ عکسی سفینه تبریز معلوم نیست و به علت تفاوت دلالت‌های این جدول با سایر نمونه‌ها احتمال این‌که وی این رساله را از منبعی غیر معتبر نسخه‌برداری نموده باشد، وجود دارد. ابوالمجد جدول اختلاج را روز یکشنبه بیست و ششم ربیع‌الاول سال ۷۲۳ کتابت نموده است (۷).

۴- رسایل دارویی (خواص غلات، کانی‌ها و معطرات...)

رساله‌هایی با موضوع شناخت خواص برخی مواد در طبیعت، شامل پنج رساله با عناوین «خواص غلات»، «خواص معادن کانی»، «خواص معطرات»، «خواص الأحجار» و «کتاب فی الطب» در سفینه تبریز است. در این رسائل به بررسی خواص ده غله، هفت کانی، ده داروی خوشبو، هفتاد و پنج نوع

عبارتند از: زر، سیم، مس، آهن، سرب، ارزیر (قلع) و روی (۱۸).

رساله فوق‌الذکر به فارسی و در روز سه‌شنبه برابر با سوم محرم سال ۷۲۳ ق. کتابت شده است. ابوالمجد منبع خود را عنوان ننموده است.

۳-۴- کتاب خواص معطرات: رساله کوتاه دیگری که ابوالمجد آن را به تاریخ سوم محرم سال ۷۲۳ ق. مصادف با روز سه‌شنبه کتابت نموده است. رساله مشتمل بر توضیحات بسیار مختصر در مورد ده گیاه معطر پرکاربرد است که به جزء یک مورد (خاصیت ذکرشده برای سنبل)، در بقیه موارد به بیان خواص دارویی و درمانی معطرات پرداخته شده است. عنبر، مشک، گالیه، زعفران، عود، کافور، سنبل، صندل، قسط و مشک، معطرات نام‌برده‌شده در این رساله هستند.

همانند اکثر رسالات طب در سفینه تبریز، در این رساله نیز ابوالمجد کاتب به منبع مورد استفاده خود اشاره‌ای ننموده، اما نگارنده، متن این رساله را در فصل دوم از مقاله هفتم «فرخ‌نامه» جمالی یزدی یافته است. شایان ذکر است که در انجامه رساله خواص معطرات نیز مانند رساله خواص معادن کانی واژه تعلیق به کار رفته است (۷).

۴-۴- خواص الأحجار و غیرها: رساله‌ای فارسی در باب شیوه تشکیل، خواص طبی و جادویی هفتاد و پنج سنگ و گوهر موجود در طبیعت است که پایان آن از نسخه افتاده است و برخی مطالب آن غیر واقعی به نظر می‌رسند. کتاب خواص الأحجار و غیرها که تاریخ کتابت و همچنین منبع آن عنوان نگردیده، با دیگر کتب در حوزه سنگ‌ها منطبق نیست و شایسته بررسی بیشتر می‌باشد (۱)، البته از تکراری بودن نام سنگ‌ها در برخی موارد می‌توان چنین برداشت نمود که ابوالمجد این رساله را از چندین منبع گردآوری نموده است (۷).

استفاده از خواص درمانی سنگ‌های نیمه‌قیمتی و گوهرها، موضوع جدیدی نیست، بلکه هزاران سال قدمت دارد. سنگ‌ها تأثیرات شگفت‌آوری بر جسم و روان می‌گذارند و در طول تاریخ از سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی برای مقاصد درمانی،

از انواع سنگ‌های موجود در طبیعت و صد و هفتاد و سه نوع ماده خوراکی و آشامیدنی به اختصار پرداخته شده است. مطالب آن حاکی از اهمیت توجه به مقوله گیاهان، استفاده از سنگ‌ها و کانی‌ها و به طور کلی استفاده از مواد طبیعی برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها به عنوان دارو است. متأسفانه پایان «خواص الأحجار» که مفصل‌ترین متن مورد بررسی است، در سفینه تبریز از نسخه افتاده است.

۱-۴- کتاب خواص غلات در سفینه تبریز: رساله‌ای مختصر به زبان فارسی است که در روز سه‌شنبه سوم محرم سال ۷۲۳ ق. کتابت شده است. این رساله حاوی اطلاعاتی مختصر پیرامون ده غله است که ظاهراً جزء غلات پرکاربرد آن عصر بوده‌اند و به همین سبب نیز ابوالمجد از میان انبوه غلات به ذکر خواص این تعداد معدود بسنده نموده و رساله خواص غلات را در قالب ده فصل به رشته تحریر درآورده است: باب نخست در صفت گندم، باب دوم در صفت جو، سومین باب در صفت باقلا، فصول چهارم و پنجم در اوصاف نخود و عدس، باب ششم در صفت برنج، فصل هفتم مختص جلبان، هشتمین باب در صفت کاورس است و فصول نهم و دهم به لوبیا و ماش اختصاص یافته‌اند.

در تمامی ابواب فوق‌الذکر خواص درمانی یکی از غلات تبیین شده و در برخی موارد به طبع غله هم اشاره گردیده است. بعضاً نیز خصوصیات جالب توجه دیگری ذکر شده است، مانند آنچه برای گندم و نخود بیان شده‌اند. نگارنده پس از تفحص بسیار در متون و نسخ قدیمی رساله مذکور را منطبق با فصل ششم از مقاله سوم کتاب «فرخ‌نامه» جمالی یزدی دانسته است، هرچند این امکان وجود دارد که شخص «ابوالمجد» برای کتابت این رساله و دو رساله قبلی، از منبع یا مأخذ دیگری غیر از کتاب جمالی نسخه‌برداری نموده باشد (۷).

۲-۴- نام خواص معادن کانی: یکی دیگر از رساله‌های مرتبط با طب در گنجینه سفینه تبریز، رساله‌ای مختصر است. این رساله به هفت کانی مشهور پرداخته است و در ذیل هر کانی برخی از خواص طبی و طالع‌بینی و... بیان شده است. کانی‌های مورد بحث در رساله خواص معادن کانی به ترتیب

محافظت افراد در برابر بلایای طبیعی و تأثیرات نامطلوب محیطی استفاده می‌شده است (۱۹).

۴-۵- کتاب فی الطب: نیز در سفینه تبریز از جمله رسایل درمانی است که در قالب جدول و به دست «امین الدوله اوتاجی» نگارش شده است. از اوتاجی اطلاعات زیادی در تواریخ موجود نیست. این جدول که در منابع به نام‌های «نزه الملوک» و «رساله در کیفیت و منافع و مضاد مأكولات و غیره‌ها» نیز نامیده شده، به دستور ارغون به رشته تحریر درآمده و فصل‌بندی خاصی ندارد (۲۱-۲۰). با توجه به دوران هفت ساله پادشاهی ارغون خان که بین سال‌های ۶۹۰-۶۸۳ هجری قمری بوده است، باید تاریخ نگارش این کتاب را هم در این فاصله زمانی دانست.

رساله حاضر شامل طبیعت، منفعت، مضرت و دفع مضرت صد و هفتاد و سه ماده غذایی، اعم از انواع میوه‌ها، حبوبات، غلات، سبزیجات، گوشت‌ها، اعضای حیوانی، آش‌ها، نان‌ها، نوشیدنی‌ها، لبنیات، گل‌ها، مغزها، معطرات، هوا، البسه و... است که ظاهراً ابوالمجد شخصاً آن را تحت قالب جدول طراحی نموده، لیکن در بیشتر نسخ موجود، شکل متنی آن انتشار یافته است. علاوه بر آن، متن رساله موجود در سفینه، در مواردی با سایر نسخ تفاوت‌هایی فاحش دارد، اما با توجه به نزدیکی دوره تألیف اثر با زمان کتابت آن، شاید بتوان به این نسخه از نزهة الملوک، بیش از سایر نسخ اتکا نمود. کتابت رساله مذکور توسط «ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی» در روز دوشنبه بیستم ربیع‌الاول سال ۷۲۳ ق. انجام پذیرفته است (۷).

بحث

حفظ الصحة، دستورهای ضروری در تندرستی و هنر پیشگیری از ابتلا به امراض و مربوط به شاخه عملی پزشکی است (۲۲-۲۳). با رعایت دستورات آن، بدن در حالت اعتدال باقی می‌ماند و سلامتی ارتقا می‌یابد. حفظ الصحة در واقع مراد اصلی دانش طب است (۱۱). ابوعلی سینا نیز در کتاب «قانون»، طب را دانشی می‌داند که در مرتبه اول عهده‌دار شناخت و نگهداری تندرستی است (۲۴). «نحوه خوردن و

آشامیدن، زمان خواب بیداری و چگونه خوابیدن، تخلیه یا احتباس مواد زائد در بدن، حمام کردن، نحوه ورزش کردن، وضع پوشش، تناسب طبیعت غذاها با طبیعت انسان‌ها، خاصیت عطرها و روغن‌ها، تدبیر برای فصل‌های سال، اطلاعات اولیه درباره بیماری‌ها و علامت‌های آن‌ها... از جمله مباحث مطرح در حفظ الصحة است» (۲۶-۲۵).

مبحث حفظ الصحة در تمدن اسلامی را می‌توان برآیند بحث‌های بهداشتی و پیشگیری در تمدن‌های یونان و ایران دانست، البته احادیث و دستورهای نیز در این باره از پیامبر اسلام نقل شده که: «لاخیر فی الحیوة الا مع الصحة» (۲۷).

از قرن سوم در طب سنتی، نگارش کتبی با موضوع روش‌های حفظ و تدبیر در سلامت بدن با نام «حفظ الصحة» رواج یافت (۵).

در طب سنتی مهم‌ترین چالش حفظ سلامتی بدن است، اما اگر به هر دلیلی شخص مبتلا به انواع بیماری‌ها گردید، در این صورت است که طب سنتی وارد مرحله دوم، یعنی درمان می‌شود. مزاج‌شناسی از مهم‌ترین اصول درمانی در طب قدیم بوده، لذا بهتر است به جای واژه طب سنتی از واژه «طب مزاجی» (۱۱). استفاده شود. پزشکان قدیم با تبحر و توانایی خود در زمینه شناخت مزاج در هر یک از بیماری‌ها دخالت وضع مزاجی را محرز می‌دانستند (۲۸). هنگام بیماری مهم‌ترین وظیفه درمانگر، برگرداندن مزاج بدن و عضو درگیر به حالت طبیعی و اصلی خویش بوده است و این امر با ارائه تدابیر بهداشتی مرتبط با نحوه زندگی، محیط و شغل افراد و نیز با بهره‌گیری از عوامل موجود در طبیعت اعم از مواد غذایی یا گیاهان دارویی و اعمال یدای مانند حمامات، فصد و... بوده است (۲۸).

در روان‌درمانی نیز بشر در طول قرون متمادی سعی نموده تا با پیوندزدن خصیصه‌های صورت افراد به ویژگی‌های شخصیتی، متوجه افکار آنان شود، چراکه روح و جسم انسان جدا از هم نبوده و فعالیت‌های جسمی و روحی انسان به شدت در هم تلفیق شده‌اند. شخصیت افراد قبل از هر جای دیگری بر صورت‌شان نمایان می‌شود. بیماری و سلامت افراد معمولاً از

نتیجه‌گیری

بررسی آثار مربوط به حفظ الصحه در سفینه تبریز حاکی از آن است که صیانت از تن و روان و دقت در شیوه زندگی از نکات مورد توجه اطبا در قرن هشتم بوده و میان مردم عمومیت داشته است. با آنکه منابع یا مأخذ مورد استفاده ابوالمجد برای نگارش سه رساله حفظ الصحه مشخص نیست، اما تأثیر اندیشه‌های رایج در تمدن ایران و روم در این رساله‌ها مشخص است که از نگاه جامع به موضوع پیشگیری و بهداشت فردی و محیطی حکایت دارد.

همچنین در قرن هشتم درمان بخش عمده‌ایی از بیماری‌ها چون گذشته بر پایه مزاج‌شناسی بوده است. کتاب براء الساعه (درمان‌های فوری) معتبرترین اثر پزشکی سفینه تبریز است. کتاب «فی بعض المسائل الطبیة» در قالب شش بخش ارائه شده و به زعم نگارنده به خاطر متفاوت و مجمل بودن مباحث مطروحه در آن ظاهراً ابوالمجد تبریزی آن را از چندین منبع گردآوری نموده و در متن سفینه گنجانده است. معتبرترین اثر، کتاب «فی الطب» است که از تألیفات دوره ایلخانی بوده و توسط امین‌الدوله اوتاجی نگارش شده است. مع‌الأسف مؤلف سایر رسائل ناشناخته هستند.

رساله‌های دارویی در سفینه تبریز در زمینه بیان خواص برخی سنگ‌ها، کانی‌ها و مواد غذایی پرکاربرد که غالباً عامه پسند می‌باشند، به صورت غیر تخصصی ارائه شده‌اند، حتی برخی خواص جادویی و طالع بینی نیز در آن‌ها گنجانده شده است، اما با توجه به بررسی‌های انجام‌یافته از سوی نگارنده در باب تألیفات دارویی سفینه تبریز، سه رساله کتاب «خواص غلات»، کتاب «خواص معادن کانی» و کتاب «خواص معطرات» در فرخ‌نامه جمالی یزدی که از دائره‌المعارف‌های قرن ششم قمری است، نیز موجود می‌باشند. با توجه به این مطلب احتمال نسخه‌برداری کاتب از کتاب فوق‌الذکر وجود دارد، هرچند که این احتمال نیز وجود دارد که «جمالی یزدی» و «ابوالمجد ملکانی قریشی» این مطالب را از یک منبع واحد در کتب خود گنجانده باشند، اما ذکر عنوان تعلیق در انجامه کتاب «خواص معادن کانی» و کتاب «خواص

ظاهرشان نمایان می‌شود. حالات مختلف قرارگرفتن اجزای چهره، پیامی واضح در اختیار انسان قرار می‌دهد. پی‌بردن به شخصیت طرف مقابل نقش مهم و حیاتی در رابطه متقابل انسان‌ها دارد، البته نمی‌توان حکم کلی داد (۱۵-۱۴).

در شناسایی داروهای رایج در قرن هشتم، خواص غلات، خواص معادن کانی و خواص معطرات در سفینه تبریز از «فرخ‌نامه» جمالی یزدی اخذ گردیده‌اند، چراکه با سه مقاله این کتاب مطابقت دارند (۲۹-۲۸). با توجه به عدم تبحر ابوالمجد به موضوعاتی در حیطه علوم عقلی شاید از وی نیز نباید انتظار پرداختن به مسائل تخصصی‌تر در باب کانی‌ها داشت، هرچند به نظر می‌رسد مطالب طرح‌شده توسط وی بیشتر مورد توجه عامه مردم بوده است. به نظر می‌رسد خواص کانی‌ها با فصل دوم از مقاله ششم فرخ‌نامه مطابقت دارد. آنچه در باب این رساله شایان ذکر است، کاربرد کلمه تعلیق در انجامه نسخه است که با توجه به تعریف واژه تعلیق، می‌توان چنین برداشت نمود کاتب به صورت اولیه و فوری از یک اثر نسخه‌برداری نموده است تا بعدها با سایر نسخ معتبر مقابله و تصحیح نماید، ولی ظاهراً چنین مجالی را نیافته است (۷، ۳۰).

حکمای صاحب نامی همچون ابن سینا، ابوریحان بیرونی و خواجه نصیرالدین طوسی در آثارشان به ارزش درمانی برخی سنگ‌ها و گوهرها اشاره کرده و نسخه‌های درمانی متنوعی را ارائه نموده‌اند. گوهرشناسی در طبقه‌بندی‌های کهن علوم به عنوان شاخه‌ای متمایز مطرح نمی‌شد، اما در طبقه‌بندی‌های جدیدتر که به طور معمول مفصل‌تر و مشتمل بر فروع علوم ریاضی و طبیعی بود، گوهرشناسی یا علم الجواهر معمولاً به عنوان یکی از فروع علم طبیعی مطرح می‌گردید. ظاهراً دانشنامه فارسی فخر رازی موسوم به «جامع العلوم» یا «جامع ستینی» کهن‌ترین دانشنامه‌ای است که در آن «علم الجواهر» که در بعضی دست‌نویس‌ها از آن تحت عناوین «معرفة الاحجار» یا «علم المعرفة الجواهر» و «الاحجار» یاد شده است، به صورت علمی مستقل یاد شده است (۳۱).

معطرات» نشان از این مطلب دارد که ابوالمجد از منبع مورد استفاده خود اطلاع کافی نداشته است.

آخرین رساله‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر در حیطه روان‌درمانی و اعصاب است. علمی که در طبقه‌بندی علوم در عصر جدید می‌توان از عنوان روان‌شناسی نیز برای آن استفاده نمود. دو رساله کتاب در علم فراست و کتاب در دلایل اعضا و غیره‌ها در زمینه پی‌بردن به خصائص رفتاری افراد با توجه و دقت در شاخصه‌های ظاهری آن‌ها می‌باشند. با توجه به این نکته که علم الفراسة از علوم مورد علاقه و توجه صوفیان بوده پرداختن ابوالمجد به این موضوع دور از انتظار نیست، اما کتاب در اختلاج که آخرین رساله بازنویسی شده است، به موضوعی کمی متفاوت‌تر می‌پردازد. اختلاج که از زیرمجموعه‌های علم فراست است، به بیان دلالت‌های ناشی از پرش اعضا می‌پردازد. علی‌رغم این‌که مؤلف هیچ یک از رساله‌های این فصل از سوی ملکانی قریشی عنوان نشده‌اند، اما نگارنده پس از واکاوی نسخ خطی و متون قدیمی به این نکته پی برد که کتاب در علم فراست تقریباً منطبق با فصل دوم از مقاله هشتم فرخ‌نامه جمالی و کتاب در دلایل اعضا و غیره‌ها مطابق با مقاله نهم نزهت‌نامه علایی در باب علم فراست می‌باشند، هرچند مانند موارد قبلی به یقین نمی‌توان اعلام کرد کاتب از این کتب نسخه‌برداری نموده است.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان دریافت ابوالمجد هیچ یک از آثار پزشکان صاحب نام عهد ایلخانی من جمله «رشیدالدین فضل‌الله»، «ابن بیطار» و... را در دست‌نوشته‌های خود در زمینه طب مورد استفاده قرار نداده و تنها کتاب طبی معاصر وی، «نزهة الملوک اوتاجی» است که در سفینه با عنوان کتاب «فی الطب» از آن یاد شده است. این مطلب گواه نگاه غیر تخصصی وی به حوزه پزشکی است.

References

1. Haeri A. Safine-e-Tabrizis alibrary between two skins. *Nameh Baharestan*; 2001. p.43-60. [Persian]
2. Monadi F, Rajabnejad M. A Study of Hakim ebn Batlan's Life and his book's Tagvim o Alseheh. *History of Medicine Journal (Quarterly)* 2015; 7(27): 44. [Persian]
3. Safdi S. Alvafi belvafyyat. Beirut: Darolfekr; 2004. p.300-301. [Arabic]
4. Omari E. Masalekol Absar fi Mamalekol Amsar. Abuzabi: Almajmol Sagafi; 2003. p.331-339. [Arabic]
5. Sezgin F. Arabic Writing History (Medicine, Pharmacy, Zoology...). Translated by Institute of Nashre Fehrestgan. Tehran: Institute of Khaneh Ketab; 2001. p.207-208. [Persian]
6. Najmabadi M. History of medicine in Iran after Islam (from the advent of Islam to the Mogul period). Tehran: Tehran University Publication; 1996. p.412-413. [Persian]
7. Tabrizi A. Safine-e-Tabriz. Tehran: Markaz Nashre Daneshgahi; 2001. p.396, 409-412, 437, 626, 633, 654-656. [Persian]
8. Dorry Z. Bozorgmehr Humankind beyond Literature and History. Tehran: Zavvar Publication; 2011. p.87. [Persian]
9. Najmabadi M. Authors of Abu Bakr Mohammad bin Zakaria Razi Great Wise and Physician of Iran. Tehran: Tehran University Publication; 1991. p.152-154. [Persian]
10. Razi M. Treatise immediate treatment. Translated by Mogaddas E. Tehran: Nilobargh Publication; 2012. p.20 [Persian]
11. Shams Ardakani M. An overview of the history and foundations of traditional medicine of Islam and Iran. Tehran: Sahbay Danesh Publication; 2010. p.46-62, 67. [Persian]
12. Pourmand M. Stability of ancient medicine. Tabriz: Ahrar Publication; 2004. p.32, 34-36. [Persian]
13. Alemzadeh H, Moeini M. Frost Science in Islamic Resources. *Journal of Science History* 2005; 3(2): 131-132. [Persian]
14. Aghili Alavi Shirazi M. Kholasatol Hekmah. Qom: Esmaeilian Publication; 2006. p.10, 550. [Arabic]
15. Shamsoddin Amoli M. Nafayesol fonon fe arayesel oyon. Corrected by Mianji E. Tehran: Islameyyeh Publication; 2002. p.271, 358. [Arabic]
16. Bahrani Y. Alkashkol. Beirut: Dar va Maktabatol Helal; 1998. [Arabic]
17. Haji Khalifeh M. Kashfo zzonon an asamel kotob val fenon. Beirut: Dre Ehya Taraso Alarabi. p.31-32. [Arabic]
18. Bagherian S. An Introduction to Mineralogy. Tehran: Yekan Publication; 2005. p.11. [Persian]
19. Mir Kamali S. Stone Therapy. Tehran: Pars Book; 2012. p.45. [Persian]
21. Mohaddes M. Two treatises in the cognition Natures at Nozhat Almok. Tehran: Ardahal Safeir Publication; 2013. p.45. [Persian]
22. Ebn Hendo. Meftaho tteb Menhajo ttollab. Published by Mohageg M, Danesh Pazhoh M. Tehran: Tehran University; 1989. p.32. [Arabic]
23. Ebn Nafis. Almojez fe tteb. Published by Azbavi A. Cairo: No Name; 1997. p.55. [Persian]
24. Ebn Sina. Ghanon dar Tebb. Translated by Masodi A. Kashan: Morsal Publication; 2007. p.65. [Persian]
25. Naderi N. Hefzo sseheh, Islamic World Encyclopedia. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation; 2009. p.580-581. [Persian]
26. Akbarzadeh A. Prevention Medicine from the Viewpoint of Hakim Jarjani. *History of Medicine Journal (quarterly)* 2012; 4(13): 44. [Persian]
27. Mostaghferi J. Tebbo nnabbi (Lithography 1939). Tehran: Offset by Institute for the Study of Medical History of Islamic Medicine; 2003. p.32-40. [Arabic]
28. Daryaei M. Resaleye Zahabyyeh. Corrected by Daryaei N. Tehran: Safir Ardehaln Publication; 2012. p.414-415. [Persian]
29. Afshar I. Registration Dates in Safine-e-Tabriz. Tehran: Baharestan Letter; 2007. p.13-14, 17-18. [Persian]
30. Jamali Yazdi M. Farrokh Nameh. Efforts by Afshar I. 2nd ed. Tehran: Amir Kabir Publication; 2007. [Persian]
31. Mojarrad M, Yahaghi M. The term suspension on Typography is based manuscripts of safinehye Tabriz: National Studies on librarianship and Information organization (NASTIFO); 2014. p.84. [Persian]
32. Karamati Y. Book of Moon Science and Technology. *History of Science* 2011; 5(2): 138. [Persian]